گردش پول

نویسنده: احمد حسینی
Translator: احمد حسینی
تاریخ انتشار: 20 Aban 2585 باستانی برابر با November 11, 2026 میلادی



سال‌ها پیش، در یکی از شهرها ماجرایی رخ داد که هنوز هم به‌عنوان نمونهٔ ساده‌ای از گردش پول نقل می‌شود.

در آن روزگار، اوضاع اقتصادی شهر رو به وخامت گذاشته بود. کسب‌وکارها رونق خود را از دست داده بودند و تقریباً هر کس به دیگری بدهکار بود.

در همین روزها، مسافری به شهر آمد و برای یک هفته اتاقی را در هتلی رزرو کرد. او برای اطمینان، مبلغ **۱۰۰یورو** به‌عنوان ودیعه به هتلدار پرداخت.

هتلدار بی‌درنگ نزد قصاب رفت و بدهی خود را که ۱۰۰ یورو بود، پرداخت کرد.

قصاب نیز همان لحظه به سراغ نانوا رفت و قرضش را ادا کرد.

نانوا آرد پیش‌بندش را تکاند، پول را برداشت و راهی آسیابان شد، تا حسابش را با او تسویه کند.

آسیابان نیز بی‌درنگ نزد کشاورز رفت تا بهای غلهٔ سال گذشته‌اش را که هنوز نپرداخته بود، بپردازد.

کشاورز اسکناس را به همسرش داد تا بدهی قدیمی‌شان را به صاحب کافه بپردازد و همان‌جا، به رسم قدردانی، یک لیوان آبجو هم بنوشد.

صاحب کافه نیز فرصت را از دست نداد و بدهی خود را به شرکت حمل نوشابه پرداخت.

شرکت حمل نوشابه، سهم معوقهٔ خود را به شرکت تعاونی پرداخت و شرکت تعاونی نیز همان اسکناس را به زنی داد که به او بدهکار بود.

آن زن نیز مستقیم به هتل رفت و بدهی خود را بابت اتاق‌هایی که پیش‌تر اجاره کرده بود، به هتلدار پرداخت.

چند ساعت بعد، مسافر از تصمیم خود منصرف شد و خواست هتل را ترک کند. هتلدار نیز با لبخند، همان ۱۰۰ یورویی را که به‌عنوان ودیعه دریافت کرده بود، بی‌کم‌وکاست به او بازگرداند!

بدین‌ترتیب، تنها با گردش یک اسکناس ۱۰۰ یورویی، نه نفر توانستند بدهی‌های خود را تسویه کنند و با آسودگی خاطر، هفته‌ای تازه را آغاز کنند.